

و از نپذیرد که محبت والدین فرزند را طبیعت و ارشاد فرزند
 رعایت حقوق فرزندان احتیاجی تکلف نیست بخلاف محبت
 فرزندان ارشاد در شرایع امر اولاد با احسان بر والدین
 بیشتر است پس مقتضای عدالت آن باشد که بر والدین با
 تالی طاعت خالق اندکجا نجز در آیات انجازه آیات و آثار
 هدایت سمات بواسطه از عقوبت آن مذکور شدن چون استغنا
 ساحت الهی از آن متعالیست که مفسدان کوی نیستی
 در مقابل نعم نامتناهی او با وی شکری یا کمالاتی تواند آید
 و نهایت اقدام سالکان در برین راه اعتراف بعجز و قصور است
 بخلاف پدر و مادر که در وجه احتیاج ایشان ظاهر پس ازین
 وجه حقوق ایشان رعایت اولی باشد و بحسب قواعد شرعی
 نیز مبالغه در حق الناس بیشتر از حق ائمه است چه حضرت حق
 سبحانه و تعالی جواد مطلق است و ان الله لفی عن العالمین
 قاضی محقق و رعایت حقوق والدین سبب چیز تواند بود اول
 دوستی خالص بمان و تعظیم بالغ زبان و ارکان امتثال او

از عکس

امر و نواهی ایشان بقدر امکان مادام که موردی بمعصیتی افوت است
 کلی نباشد و اگر موردی یکی ازینها باشد بر سبیل مجامعت مخالفت
 باید کرد نه بر سبیل مجامعت لاد صورتی که شرعاً واجب باشد
 و امام غزالی از آنکه علمای نقل فرموده که در شبها طاعت والدین
 واجبست بر جای مباحات دوم مساعدت با ایشان بر مصالح
 معاش پیش از طلب بی منت و توقع محض مادام که مودی بخود
 مشغول و سیوم اطهار خیر خواهی ایشان در ستر و علانیه و محالفت
 بر و صایای ایشان خواه در حیات و خواه بعد از وفات ایشان حق
 حقوق بر طرف روحانیت غالبست و حقوق مادر را طرفت نماید
 و لهذا ثبته بر حق پران و محبت با ایشان بعد از فوت نیز حاصل
 شود و حق مادران در مادی حال مفهومی میشود و باین سبب میل
 اطفال با ایشان زیادتست پس او ای حق پران با موری که
 روحانیت بران غالب باشد مثل اطاعت و دعوات انبیا
 باشد و قضای حق مادران بجهانیت مثل نذر مال جز تر تریا سبب
 معیشت و چون حقوق بر ذیلمتی است مقابل این فضیلت پس

Copyright © King Saud University